

# تشدید گسترش توطئه‌های نظامی آمریکای و رژیم‌های

## ضد خلقی وابسته به آن در منطقه خلیج فارس

نظام جمهوری اسلامی در کشور ما که بزرگ‌ترین ضربه را بر مواضع نظامی - استراتژیکی امپریالیسم در سطح منطقه و بحقیق جهانی وارد نمود، سر آغاز این تحول کیفی در تناسبات نیروها به زیان امپریالیسم و رژیم‌های ضد خلقی وابسته به آن بود و این روند با شکست توطئه‌های آمریکا، چین، پاکستان علیه افغانستان، آمریکا، چین، پاکستان علیه انقلاب و جمهوری دموکراتیک افغانستان، شکست توطئه‌های پی در پی آمریکا علیه جمهوری

امپریالیسم آمریکا که نمی‌خواهد شکست سیاسی و نظامی خود را که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر آن وارد آمده بپذیرد، دست به تلاش‌های مذبحانه و اقدامات ماجراجویانه‌ای می‌زند تا شاید از این طریق بتواند مواضع سیاسی، اقتصادی نظامی را که در این منطقه از دست داده بازگرداند و از روند تغییر کیفی در تناسبات نیروها که در این منطقه به زیان امپریالیسم و به سود نیروهای استقلال طلب و رهایی بخش پدید آمده است جلوگیری به عمل آورد. پیروزی انقلاب ایران و استقرار

شماره ۵۹

دوره دوم

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۵۹

بها ۱۵۰ ریال

# اتحاد مردم

آرگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

## یک بار دیگر، لزوم شناخت دوست و دشمن

می‌جویند نگران کننده نباشد. اگر چه مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور نیز در هفته گذشته به نگرانی‌ها بیشتر دامن زد. آیا این سر آغاز یک درگیری ناپهنگام و کشاندن کار به گسیختگی وحدت جنگی مردم نخواهد بود؟ خوشبختانه، در دیداری که آقای سنی صدر پیش از ظهر همان روز ما حبه از رهبران انقلاب مستضعفان ایران کرد، راهنمایی حکیمانه و نفس‌مسعیایی امام یک بار دیگر معجزه آفرید. سخنان رئیس جمهور در جمع خبرنگاران آرام و حساب شده و کوتاه بود، راستای "وحدت" بود. ایشان به صراحت گفتند: "هرکس به نام رئیس جمهوری در مقام تخطئه، تحریک و روشهایی از این قبیل بر آید و نسبت به هرکس و هر گروه این کار را انجام دهد، من او را توطئه‌گر می‌دانم و از خود نمی‌دانم"، و اخطار کردند که در مخالفت با هم "تا جایی پیش نرویم که نتوانیم بازگردیم".

در هفته‌های اخیر، یک رشته مخالفت‌های اوج گیرنده و غالباً همراه با حمله‌های شدید زبانی و قلمی - به صراحت یا در پرده، بسیار نازک کنایه - میان گردانندگان بلندی پایه نظام جمهوری اسلامی ایران به ظهور رسید و با انعکاسی که در مراحل میانی و پایینی قدرت و بویژه در گروه‌های موافق و مخالف بیج شده در اجتماعات و سخنرانی‌ها داشت، می‌رفت تا به گفته یکی از روزنامه‌های عصر تهران "بحرانی عمومی" پدید آورد. قم و تهران و اصفهان و مشهد، و سپس تقریباً سراسر شهرهای کشور، ناظر صحنه‌هایی شدند که بهتر بود مردم را از دیدن آن معاف می‌داشتند. این مناقشات، که به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران از مواضع طبقاتی و تکرش - های سیاسی جناح‌های درگیر سرچشمه می‌گیرد، و بسا هم در آن قدرت خواهی و جاه طلبی‌های فردی یا گروهی از مفاهم اصولی و احکام "مکتب" بی‌بازگشت، درست هنگامی به اوج شدت می‌رسد که کشور با مخاطرات جنگ خارجی و دشواری‌های فزاینده و بی‌فرنج اقتصاد دست به گریبان است. و این نمی‌تواند برای میلیون‌ها ایرانی زحمتکش که قلبشان برای دستاوردهای انقلاب خونین خود می‌تپد و وعده آزادی و حاکمیت و بهروزی را در پویایی انقلاب

چنین سخنانی، اگر به منظور بازگشت به "وحدت" یا "اتحاد" همه نیروهای وفا دار به انقلاب و خواستار تکرار مل آن تاریخی واقعی محرومان ایران از استثمار و فقر و بیسواد و دیگر آفات اجتماع کهن بوده باشد و در این راستا به عمل گذاشته شود، بی‌شک می‌تواند در واقع کنونی کشور بسیار

بقیه در صفحه ۸

## گردهمایی مادرید برای مذاکرات

### "کنفرانس عمومی اروپا درباره امنیت و همکاری"

گردهمایی نمایندگان ۳۵ کشور

(۳۳ کشور اروپایی، ایالات متحده آمریکا و کانادا) یا لایحه‌های ۹ هفته‌گفته‌گفته‌های قدماتی چندی پیش (۲۰ آبان) در مادرید پایتخت اسپانیا گذاشته یافت. این گردهمایی طبق موافقت حاصله در بلگراد و بر پایه اسناد مصوبه و بی‌مان نهایی "کنفرانس هلسنکی" (سال ۱۳۵۴) برگزار شده است. در اسناد "کنفرانس هلسنکی" وظیفه اصلی گردهمایی‌های بعدی به صورت تعیین شده است. در سند نهایی کنفرانس دیدارهای متناوب بعدی نمایندگان کشورهای اروپایی "برای تبادل نظر عمیق پیرامون اجرای موافقت‌نامه‌ها و وظایف تعیین شده در کنفرانس همچنین مسائلی که برای بهبود مناسبات، پیشرفت بیشتر در راه تحکیم امنیت، توسعه همکاری در اروپا و گسترش روند تنش‌زدایی در آسیا" پیش‌بینی شده است.

برگزاری نخستین کنفرانس سران ۳۵ کشور اروپایی پنجم سال پیش در هلسنکی پایتخت فنلاند رویدادی بسیار مهم در دوران پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رفت. چون

هر دو جنگ جهانی قرن بیستم در قاره اروپا آغاز شده بود. این تجربه تلخ تاریخی همه هواداران یا برجای صلح و امنیت خلقها را بر آن می‌داشت که توحه بقیه در صفحه ۲

## شانزده آذر ۳۲

### سر آغاز رزم انقلابی جوانان ما

شانزده آذر ۱۳۲۲ نخستین جرقه جنبش انقلابی جوانان دانشجوی ما در مبارزه با رژیم خونخوار شاه ملعون پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ است. رژیم فاشیستی شاه خائن که با این کودتا فرصت یافته بود احزاب و جمعیت‌های ضد امپریالیستی و دموکراتیک را تعطیل نماید و هزاران نفر از شیفتگان راه آزادی و استقلال ایران را به سیاه‌لها بیفکند و چوبه‌های دار را با خون پاک زیدترین فرزندان انقلابی وطن ما رنگین سازد، می‌کوشید ایران را برای هموار کردن تاخت و تاز امپریالیسم جهانی و در رأس آن امیر - بالیسم آمریکا و تحکیم سلطه، جا برانه کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگه قمرستان کامل سکوت بدل نماید.

رژیم پلیسی شاه در پی تکمیل این نقشه ابلسی در شانزده آذر ۱۳۲۲ گراز - های خون آشامش را به دانشگاه تهران فرستاد تا با دیدن سینه‌های برشور جوانان رزمنده، ما این سنگرمقاومت را فتح نماید. در این روزمقاومت دلیرانه دانشجویان دانشگاه، فنی در برابر هجوم و حشانه‌چلان شاه خائن حماسه‌ای آفرید که تا پایان حیات

شکست سوق دهد. همچنین برخی امکانات مساعد برای کارکنرانس به سبب رفتار ناپهنگام رهبری مصر مورد استفاده قرار نگرفت. این رهبری موافقت درباره حداسازی سربازان مصر و اسرائیل را، نه به عنوان اقدامی قبلی به منظور حل و فصل سیاسی مسئله، بلکه بعنوان یک عمل خالص نظامی به دست آورده بود و از این راه امکان می‌یافت که به تماسهای مصر و اسرائیل با میانجیگری آمریکا و بدون کمترین ارتباط با کنفرانس ژنو ادامه دهد. تل آویو موفق شد اما این بقیه در صفحات ۴ و ۵

## اطلاعیه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در رابطه با دعوت آقای خامنه‌ای از هنرمندان و شاعران

در صفحه ۸

تنگین رژیم آمریکایی شاه برای وی هم چون کابوس خوفناکی برجای ماند. شهادت سه تن از دانشجویان قهرمان دانشگاه فنی - شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا - در شانزده آذر ۳۲ در سنا انقلابی جوانان رزمنده و فدا امپریالیست مایی - بنای جرقه جوش انقلابی نسل جوان در برانداختن رژیم آمریکایی شاه ملعون به شمار می‌رود. اکنون که جوانان پرشور وطن ما بر شازادان اربابان رفوکار کاری در راه تحکیم و تعمیق انقلاب کبیر ضد امپریالیستی ما علی رغم همه توطئه‌های رنگارنگ دشمنان و نفاق فکنان داخلی و خارجی با سنگین مبارزه را در دفاع از جمهوری اسلامی ایران بردوش می‌کشند، فروغ این سه ستاره خونین را در پرچم رزم انقلابی نسل جوان الهام بخش خود می‌دانند و بادشان را گرامی می‌دارند.

بادشان گرامی باد!

## در صفحات دیگر

### بخش عمومی: مضمون اجتماعی و مرحله‌های اساسی

در صفحه ۶

### یک داستان از آنکولا موسوکو

در صفحه ۳

# تشدید و گسترش توطئه های

جدید آمریکا در این منطقه آماده سازد. اظهارات بشین دریا سالار نیروی دریایی آمریکا در این زمینه این مطلب را بخوبی روشن می کند. دریا سالار آمریکا می اظهار داشت هیچ چیز مانع آن نیست که در این منطقه (منطقه خلیج فارس) یک سازمان نظامی و سیاسی در همان سطح و با همان نفوذی که پیمان ناتو دارد، تشکیل شود. وی افزود منافع استراتژیک آمریکا ایجاب می کند که در اقیانوس هند یک ناوگان دریایی برای استقرار دائمی در این منطقه تشکیل شود. بدین ترتیب معلوم می شود که وزیر دفاع عربستان سعودی و دریا سالار هر دو از یک موضوع سخن می گویند و آن تشکیل پیمان نظامی جدید آمریکا در این منطقه است که تمام رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا را در خود متحد سازد، و مسلم است که هدف این پیمان نظامی، تجاوز و توطئه های نظامی علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه، پایداری و همه نیروهای ترقیخواه و استقلال طلب خواهد بود.

از سوی دیگر طبق گزارشهای منتشره از جانب خبرگزاریها، رژیم عربستان سعودی به کشتیهای خارجی که به مقصد عراق اسلحه و تجهیزات نظامی حمل می کنند اجازه داده است که در بنادر عربستان سعودی محمولات خود را تخلیه کنند، تا از این بنا در یوسله، کامیون به اردن حمل شود و از آن طریق به عراق ارسال گردد. بدین ترتیب عربستان سعودی واردن در توطئه، تجاوز و نظامی رژیم خائن صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران مستقیماً شرکت دارند.

بر اساس اخبار و گزارشهایی که در رسانه های گروهی و مطبوعات طی چند روز اخیر انتشار یافته رژیم سرسیرده دیگر آمریکا یعنی رژیم پادشاهی ملک حسین در اردن به یک عمل ماجراجویانه و تحریک نظامی جدیدی در این منطقه پرداخته است. ملک حسین با تمرکز واهدای بزرگ نظامی نیروهای مسلح خود در مرزهای سوریه کانون خطرناک تشنج و درگیریهای مسلحانه در این منطقه را پدید آورده است.

رایسوریه در تفسیر خود پیرامون تشنجات مرزی اردن و سوریه برای این مطلب تاکید نموده: "ملک حسین با تمسهای مستقیم و غیر مستقیم با آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل قصد دارد سازمان آزادی بخش فلسطین را نابود کند. و به برنامهم خود برای تشکیل یک شورپادشاهی متحده جامعه عمل پیوسته اند."

واکنش سریع آمریکا نسبت به این رویدادها ارتباط مستقیم اقدام ماجراجویانه ملک حسین به تمرکز نیروهای مسلح خود در مرزهای سوریه را با توطئه های نظامی و تدارکات جنگی امیرالایسم آمریکا در این منطقه فاش می سازد. وارن کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا روز دوشنبه (۵ آذرماه ۵۹) در ملاقات با حسنی مبارک معاون رئیس جمهور مصر، مسئله بحران روابط اردن با سوریه را مورد بحث قرار داد.

کریستوفر در رابطه با این مسئله به خبرنگاران گفت: "طی چند روز اخیر آمریکا چندین درخواست کمک نظامی از اردن در یافت کرده است که این درخواستها به دقت مورد بررسی قرار خواهند گرفت." از سوی دیگر یک مقام رسمی دولت آمریکا اظهار داشت: "درخواستهای اردن از آمریکا سه فهرست کامل از تسلیحات مختلف و قطعات یدکی برای جت های جنگنده، تانک و دیگر تجهیزات است که تا بحال اردن از آمریکا دریافت کرده است و ای افزود:

اسلامی ایران و استحکام و انسجام وحدت کشورهای عضو جبهه، پایداری و سازمان آزادی بخش فلسطین به روندی مسلط و با ثبات در تحول رویدادهای این منطقه تبدیل گردیده است. در برابر برجین وضعی امیرالایسم آمریکا تمام کوشش خود را به کار می برد تا از گسترش و پیشرفت و تعمیق این روند جلوگیری نماید. بی مبالغه می توان ادعا نمود که پس از پیروزی انقلاب ایران مسئله ایران و بطور کلی مسئله خاور نزدیک و میانه از مسائلی هستند که بخش عمده فعالیت های سیاسی نظامی آمریکا در خلیج فارس، وزارت دفاع و وزارت امور خارجه و سازمانهای جاسوسی ایالات متحده آمریکا در حول این مسائل دور می زند و هر اقدام و فعالیت سیاسی و نظامی آمریکا و رژیمهای ضد خلقی وابسته به آن در این منطقه بطور مستقیم یا غیر مستقیم با مسئله انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه، پایداری در این منطقه ارتباط دارد و هدف این فعالیتها تضعیف مواضع این کشورها و در صورت امکان شکست و سرنگونی رژیمهای خلقی حاکم در این کشورها و روی کار آوردن رژیم های دست نشانده و گوش فرمان آمریکا است. پس از شکست فضاحت با رتخا و نظامی آمریکا در طیس و کشف توطئه نظامی کودتا در بایگه نوژه به تحریک امیرالایسم آمریکا تجاوز و نظامی دارودسته خائن صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت که این تجاوز و توطئه ای از مجموعه توطئه ها نیست که امیرالایسم آمریکا را پیش برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی نموده است. بلا درنگ پس از تجاوز و نظامی رژیم جنایتکار صدام به جمهوری اسلامی ایران، رژیمهای دست نشانده امیرالایسم در منطقه مانند عربستان سعودی و ملک حسین یا دشا اردن، پشتیبانی خود را از عراقی اعلام و اظهار آمادگی نمودند که به رژیم دارودسته صدام حسین یاری کنند. امیرالایسم آمریکا بمنظور تقویت نظامی عربستان سعودی و برقراری کنترل نظامی خود بر این منطقه جها رفرونده و ایمای آواکس که مجرب به دستگاه های الکترونی استراق سمع و کنترل و کسب اطلاعات هستند در اختیار عربستان سعودی گذارد. از سوی دیگر برنامه تشکیل پیمان نظامی جدید با شرکت رژیمهای دست نشانده آمریکا در منطقه خلیج فارس که مدتهاست در وزارت دفاع آمریکا طرح آن تهیه شده است از سوی عربستان سعودی مطرح گردید.

شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی در این رابطه اعلام کرد: قرار است عربستان سعودی با پنج شیخین خلیج فارس برای تصمیمات و تیات منطقه یک موافقتنامه امنیتی امضاء کند. وزیر دفاع عربستان سعودی در مسافرت اخیر خود به کشورهای منطقه خلیج فارس با سران این کشورها مسئله جنگ عراق با ایران و اثرات آن بر امنیت منطقه را مورد بررسی قرار داد. نامبرده در مصاحبه ای با روزنامه گوتین اظهار داشت: "موافقتنامه ای امنیتی با کویت، بحرین، قطر، امارات متحده و سلطان نشین عمان امضاء خواهد شد." تردیدی نیست که این مسافرت و اظهارات، ماموریتی است که از جانب کاخ سفید و وزارت دفاع آمریکا برعهده وزیر دفاع عربستان سعودی محول گردیده تا رژیم ضد خلقی دست نشانده عربستان سعودی زمینه را برای تشکیل پیمان نظامی

# گردهمایی مادرید

ویژه های درنوبت اول به تحکیم صلح و امنیت در قاره اروپا مبذول دارند. به همین جهت نیز برگزاری "کنفرانس هلستینکی" پیروزی بزرگ همه خلقها، موفقیت چشمگیر همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان شمرده شد. لیکن نیروهای تجاوزکار و توسعه طلب امپریالیستی از همان آغاز در پیشرفت اندیشه های والاکا رتشریش "کنفرانس هلستینکی" اختلال می کردند. اولین دیدار نمایندگان این کشورها پس از "کنفرانس هلستینکی" که در بلگراد پایتخت یوگسلاوی در سال ۱۳۵۶ برگزار شده همین سبب نتوانست نتایج با رزیه دست آورد. آن دیدار با بیانیهای در تاید لزوم اجرای کامل همه مندرجات پیمان نهایی هلستینکی بطرق یک جانبه، دو جانبه و چند جانبه پایان یافت و تصمیم گرفته شد (نوامبر ۱۹۸۰) (۲۰ آبان) گرد - همایی بعد برگزار شود.

نیروهای صلح دوست جهان، درنوبت اول اروپا، بویژه اتحاد شوروی و دیگر دولت های سوسیالیستی با شوق فراوان برای شرکت در این گردهمایی حاضر شدند. در اعلامیه وزرای خارجه دول عضو پیمان و رشوکه ۱۸ مهرماه سال جاری به تصویب رسید تا کید شده در شرایط بحرانی و بیچیده بین المللی کنونی اهمیت این گردهمایی افزونتر است. دول نامبرده به ویژه اظهار امیدواری کردند: "امکانانی که در نتیجه دیدار بلگراد بوجود آمده

## "به احتمال قوی آمریکا به این درخواستها پاسخ مسا عدوسریعی خواهد داد"

اقدام ملک حسین به تمرکز نیروها مسلح خود در مرز سوریه را نیز باید بر زمینه توطئه های گسترده و تدارکات جنگی آمریکا در این منطقه بررسی نمود. ملک حسین با این عمل ماجراجویانه تلاش دارد با وادار کردن سوریه به تمرکز واهدای نظامی خود در مرزهای اردن، جبهه سازمان آزادی بخش فلسطین را در لبنان در برابر تجاوزات متحدز مینی و هوایی ارتش اسرائیل تضعیف کند و این جبهه را از پشتیبانی موثر نیروهای سوریه محروم سازد.

اسوایا دعضوکا در رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین در گفتگویی با روزنامه کویتی القیس اقدام ماجراجویانه ملک حسین یا دشا هاردن را چنین ارزیابی کرد: "توطئه علیه سوریه بطور تصادفی پیش نیا مده است، بلکه این یک توطئه ای بزرگ و حساب شده است که هدف آن از بین بردن مقامات این کشور است تا بتوانند نقشه های حساب شده خود را بمورد اجرا بگذارند." با توجه به این واقعیات می بینیم که امیرالایسم آمریکا ضمن آنکه همچنان به تلاش های خود در زمینه تشدید تدارک جنگی و گسترش حضور نظامی خویش در این منطقه ادامه می دهد، بدستگیری رژیمهای ضد خلقی و وابسته بخود در این منطقه هر روز توطئه جدیدی را بمرحله اجرا می گذارد. و می کوشد با ایجاد کانونهای تازه تشنج، درگیریهای نظامی گسترده تری را بر خلق های این منطقه تحمیل نماید. گسترش روابط و همکاریهای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو جبهه، پایداری و اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر همه کشورهای مستقل ملی و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی این منطقه وثیقه اطمینان بخشی برای پیروزی خلقها در این نبرد بزرگ و شکست تمام نقشه های تجاوزی و توطئه های نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده آن در این منطقه خواهد بود.

است برای تا بید خط مشی تنش زدایی، به مثابه سمت کلی شکل اوضاع در اروپا، مورد استفا ده واقع شود تا در این دیدار موافقت های لازم پیرامون قدمهای عملی بعدی در همه جهات تحکیم امنیت و همکاری در قاره اروپا بدست آید.

کشورهای جامعه سوسیالیستی با پیشنهادهای مشخصی که بتوانند زمینه مذاکرات سازنده و سودمند جهت گسترش روند تنش زدایی یا شده کنفرانس آمدند این پیشنهادات که از سوی نیروهای صلح دوست، دموکرات و ترقیخواه جهان تا بید گردید، درنوبت اول مسائل مربوط به تنش زدایی نظامی را مطرح کرده است. زیرا در شرایط کنونی هر درگیری با کار برد سلاح محای دسته جمعی در صورت بروز آن در قاره اروپا ناگزیر سراسر جهان را خواهد سوزاند. از این رو نیز کشورهای جامعه سوسیالیستی پیشنهاد کرده اند که جهت تنش زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا را بمذاکره گذارده و اتخاذ نماید.

شایان ذکر است که فکر دعوت چنین کنفرانسی را اولین بار کشورهای جامعه سوسیالیستی متجاوز از یک سال و نیم قبل (در بیانیه کمیته وزرای خارجه ایمن کشورها که ۱۲۵ ر دیپشست ۱۳۵۸ در بوداپست به تصویب رسید) بیان کردند و بعداً پیشنهاد های مفصل و مشخص خود را در این زمینه تهیه نمود و اعلام داشتند. آنها از جمله تا کید کردند که کنفرانس تنش زدایی نظامی و خلع سلاح شرکت همه دولت های "کنفرانس هلستینکی" برگزار شود. در عین حال کنفرانس در چند مرحله برگزار شود تا بتدریج از مسائل ساده تر و آسان تر آغاز کرد و سپس به مسائل مهمتر و دشوار تر پرداخته شود. در مرحله یکم پیشنهاد شده در زمینه تقویت اعتماد متقابل بین دولت ها تصمیمات و اقدامات "کنفرانس هلستینکی" گسترش داده شود. برای نمونه ذکر کنیم که کشورهای جامعه سوسیالیستی پیشنهاد کرده اند: در باره مانورهای آموزشی بزرگ نظامی در منطقه ای که پیمان نهایی هلستینکی معین کرده است بجای سه هفته قبل، از یکماه پیش و بجای مانورهای ۲۵ هزار نفری به بالا، مانورهای ۲۰ هزار نفری به بالا اطلاع داده شود. همچنین در باره نقل و انتقال های بزرگ پیاده نظام بیش از ۲۰ هزار نفر، در باره مانورهای آموزشی بزرگ نیروی هوایی در همان منطقه، در باره مانورهای بزرگ نیروی دریایی که کشورهای شرکت کننده در جلسه مشورتی همگانی اروپا در نزدیکی مرزهای دریایی دیگر کشورها انجام می دهند بجای سه هفته، یکماه قبل اطلاع داده شود. حدود مانورهای بزرگ نظامی تا ۴۰-۵۰ هزار نفر محدود شود. برای مرحله بعدی کنفرانس، کشورهای جامعه سوسیالیستی پیشنهاد کرده اند تصمیمات لازم جهت کاهش میزان و تراکم حضور نظامی متقابل در اروپا بررسی و اتخاذ شود. این تصمیمات محدود کردن فعالیت نظامی و کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات را نیز در برگیرد. کشورهای جامعه سوسیالیستی پیشنهادات خود را "شرط مقدماتی ضروری جهت دعوت کنفرانس قرار داده اند، بلکه فقط بمنزله زمینه ای برای مذاکره سازنده مطرح ساخته اند و اعلام داشته اند که پیشنهاد های متقابل دیگر کشورها (فرانسه، فلانسه، سوئد و بعضی دیگر کشورهای اروپایی) نیز پیشنهادها می دادند (باید مورد بررسی جدی و مذاکره سازنده قرار گیرد).

بقیه در صفحه مقابل

# گردهمایی

در زمینه همکاریهای اقتصادی کشورهای جامعه سوسیالیستی پیشنهاد کرده اند در گردهمایی مادرید چنین مسائل حادی که برای اکثر کشورهای اروپا اهمیت ویژه ای کسب کرده است چون همکاری در رشته نامین انرژی در نوبت اول مطرح شود هم اکنون چند سال است در این زمینه کمیسیون اقتصادی اروپایی سازمان ملل متحد مشغول بررسی مسئله دعوت یک کنفرانس همگانی دول اروپا است. به همین سبب نیز پیشنهاد دولت های جامعه سوسیالیستی جلب توجه عده ای از کشورهای اروپا (بویژه آلمان غربی، اطریش و چند کشور دیگر) را کرده است. همچنین مسئله «مبادله بلا مانع و گسترده کالا، تعاضد و نیجه صنعتی، همکاری در رشته کشاورزی ترابری پژوهشهای علمی و غیره از جانب کشورهای جامعه سوسیالیستی برای مذاکره در گرد همایی مادرید پیشنهاد شده است.

در رشته همکاریهای اجتماعی و مردمی نیز کشورهای سوسیالیستی پیشنهادات مشخص مذاکره سازنده در گردهمایی مادرید داده اند. از جمله، در اعلامیه وزرای خارجه این کشورها گفته شده است: «شرکت کنندگان در جلسه پیشرفت دیدار مادرید در جهت تحقق موافقت های هلسینکی در رشته فرهنگ، آموزش و پرورش، اطلاعات و تماس ها را بر پایه اصولی که پیمان نهایی «کنفرانس هلسینکی» معین کرده است مطلوب و ممکن حساب می کند». کشورهای جامعه سوسیالیستی بر پایه اصول موافقت های حاصله در کنفرانس هلسینکی در این ۵ سال عمل کرده، رشته های فرهنگی، علمی و آموزشی، هنرهای زیبا، سینما و تئاتر در چاپ و نشر کتاب، در مبادله اطلاعات منتشره توسط مطبوعات، رادیو و تلویزیون، در رشته تسهیل مسافرت شهروندان یک کشور به کشورهای دیگر و دادن گذرنامه همکارانه وسیع، صمیمانه و نمر بخشیده داشته اند. همه این همکاریها بر پایه اصول و پیمان نهایی «کنفرانس هلسینکی» که اساس آنرا در اصل مربوط به مناسبات متقابل بین دولت ها تشکیل می دهد صورت گرفته است. محور سیاسی این اصل همانا اصل برابری حاکمیت ملی و رعایت دقیق همه حقوق مربوطه بر آن، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها تشکیل می دهد. اصول «کنفرانس هلسینکی» و پیمان نهایی آن شامل خط مشی تنش زدایی و تبدیل آن به روند برگشتناپذیر یکجانبه حیاتی، همه جانبه و همگانی است.

اما دولت آمریکا و سران پیمان نظامی ناتو در برابر پیشنهادها و مشخ، معقول و سازنده دول جامعه سوسیالیستی موضع خصمانه ای اتخاذ کرده اند. در جلسه نوبتی شورای ناتو که اوائل تیرماه سال جاری در آنکارا برگزار شد، گرچه ظاهرا و رسماً علیه برگزاری کنفرانس همگانی برای امنیت و قطع سلاح در اروپا اظهار عقیده نشد، اما چنان «شروط مقدماتی» ضروری جهت دعوت کنفرانس مطرح شد که برخلاف روح مذاکرات و اصول و اساسنامه «کنفرانس هلسینکی» بود و هدف آشکار این «شروط مقدماتی» ممانعت از برگزاری چنین کنفرانسی و عقیم کردن آن بود. مثلاً سران پیمان ناتو به مثابه «شرط مقدماتی» ضروری برای دعوت کنفرانس پیشنهاد کرده اند که اقدامات مربوط به گسترش اعتبار و متقابل در اروپا بطور حتمی اجرا تحت نظارت، و در منطقه ای «از قیاس اطلالی تا احوال» صورت گیرد، در حالی که آنها خوب آگاهند که چگونه پس از دو سال، متمماتی گفتگوهای مفصل، دقیق و جز به

# موسوکو

نوشته: اسکار ریبا  
ترجمه: م. م. فرنوش

اسکار ریبا در سال ۱۹۰۹ در لواندا متولد شد. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی وارد خدمت دولت گشت. از همان زمان بینایی چشمهایش را بتدریج از دست داد اما با قدرت اراده قابل ستایشی به کار نویسندگی پرداخت و با دیکته کردن افکار و خاطرات خود به برادرش آثار بسیار ری در زمینه های نژادشناسی، تاریخ و ادبیات فولکلوریک پدید آورد. آثار فولکلوریک ریبا در خارج از مرزهای آنکولا نیز توجه بسیاری را جلب کرده است.

ریبا س که از بنیان گذاران ادبیات آنکولاست، عضو شورای نویسندگان این کشور می باشد.

آن روز صبح به محض آنکه موسوکو وارد خانه شد، فاتحانه اعلام کرد که: «هی، عمه من امروز رو شانس ام! یک عالمه پول پیدا کردم!» و کیف پول کوچکی را به او نشان داد.

عمه که روی یک چهارپایه کوچک نشسته بود و دندانهایش را با یک تکه زغال و کمی نمک، به آرامی پاک می کرد گفت: «س، دادن، ممکنه یکی صدات رو از بیرون بشنوه! بذار برسم توی اطاق بعد...»

مادر بزرگ که حیاط را احاطه می کرد و او هم زغال و نمک توی دهانش بود، به محض آنکه حرفهای آنها را شنید، بظرف خانه دوید و با کنجکای وی پرسید: «چه، چه خیر شده؟»

موسوکو به شوخی گفت: «بدشانس! آوردم... مهم رو گرفتم... می خواستم از توی تله یک کیک بخرم...» یک کیوتو توی کله، همسایه عرض می کرد.

بالاخره درها بسته شدند و در حالیکه قلمبهانشان محکم می کوبید، روی تخت خواب آهنی نشستند و با بریشانی پولها را شمردند و با زشمردند.

دویست و ده اسکودوس! این یک جبری است! خداوند بخشنده است و بندگان گناه کارش را فراموش نمی کند!

مادر بزرگ نصیحت کنان گفت: «حالا دهن تون رو ببندین، شماها هیچی ندیدین، فهمیدین؟ دختر تو هم با این پول می تونی یک خونه بخری و تا ابد زندگی خوبی بکنی.»

«نه مادر بزرگ! خونه رومی خواهم چه کنم؟ ما پارچه ها و قشنگ و جواهرات گرون قیمت می خریم... آگه پولی باقی موند یک چرخ خیاطی دستی هم می خریم...»

عمه اعتراض کنان گفت: «خب البته تومی تونی برای خودت یک چیزی بخری... اما خونه سرجای خودت... احمق هم نشو!»

«یک خونه لباس های قشنگ، آره! اونوقت می تونم بقیه پول خودم رو هر جور می خواهم خرج کنم.»

سرش گنج می رفت، فوراً از جای بلند شد و چند بار به سرعت دور اطاق راه رفت تا مقداری از آن احساس شادی را که آنقدر از خود بیخودش کرده بود مصرف کند.

اما دوا احساس موسوکو را آزار می داد احساس ترس و احترامی که برای خودش قائل بود.

مادر بزرگ خنده کنان دستهایش را به هم کوبید و بعد شکر زد:

«می بینی؟ پول باعث میشه آدم عقلش رو از دست بده!»

و عمه به شوخی ادامه داد: «برقص دختر، برقص! مقدس تورو دوست دارن.»

کمی گذشت و بعد یکی از زنهای همسایه راه افتاد توی محله و شروع کرده بشوون کردن:

«کی دویست و ده اسکودوس پیدا کرده؟ هر کی این پول رو پیدا کرده یا بد فوراً بیس بده، چون من این پول رو گم کردم، یا الله! کی پول رو پیدا کرده؟ مردم، شماها هم کار می کنید، می دونین زندگی قدر برای فقیر - هاسخته... بیس پول من رو بهم پس بدین! من دویست و ده اسکودوس گم کردم، کسی

با بدربارزه، چگونگی و موعود محل چنین کنفرانسی به توافق برسد. با در نظر گرفتن این واقعات است که معلوم می شود چرا هیئت نمایندگان آمریکا در گردهمایی مادرید مسائلی چون «حقوق بشر»، «افغانستان» و غیره را مینویسد. ساعتی است تدارک «کنفرانس عمومی اروپا در باره امنیت و همکاری» را عقیم گذارد، در گستره جهانی امپریالیسم آمریکا در دوران پس از جنگ جهانی اخیر برای تحمیل مقاصد تجاری و کارخانه خود بیش از ۲۱۵ مرتبه به اعمال قهرتوسل حمله کرده است. امپریالیسم آمریکا بوسیله رژیم مزدور و سرمایه تکریتی جنگ تجاری کارخانه راه جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است. تنها در کشورهای اروپا در عرض سال - های گذشته ۶۰ هزار نفر به سربرازان آمریکا بی مستقر در این قاره افزوده شده است. و چون نقشه های پلید امپریالیسم علیه انقلاب افغانستان درهم شکسته شده است درخواست کمک نظامی این دولت از اتحاد شوروی را بهانه کرده تا تدارک کنفرانس را عقیم گذارد. آمریکا که طبق آمار رسمی بیش از ۱۲ میلیون بیکار دارد، آمریکا که سیاهپوستانش با دیگر اقلیت های نژادی با فلاکت با رتیرین

پیدا کرده؛ به خاطر خدا بولم رو پس بدین! اگر کسی قلمش از سگه الهی که قبرش هم از سنگ باشه، گوش کنین مردم، من بهتون التماس می کنم!»

موسوکو وقتی که شیون های همسایه را شنید، تصمیم گرفت پول را به صاحب اصلی اش برگرداند. دوا احساس او را آزار می داد، احساس ترس و احترامی که برای خودش قائل بود. تا وقتی که نمی دانست پول متعلق به چه کسی است مسئله دیگری نبود، اما حالا... که می دانند صاحبش کیست! نه! آن هم یک همسایه!

این بود که با هیجان گفت: «گوش کن عمه، من میرم پول رو به دونا نایس بدم، می شنوی چقدر آره می گه؟ می گه آگه کسی قلمش از سگه الهی که قبرش هم از سنگ باشه!

عمه که جهره اش هیچ حساسی را نشان نمی داد، با موذیگری گفت:

«پول رو پس بدم چه؟ تو که پول رو ندزدیدی، مگه نه؟ توی خیابون پیدا کردی یعنی پول دیگه مال توسته پس از چی می ترسی، هان؟»

بیرز هم در موافقت با عمه گفت:

«نه بخت خودت پشت نکن دختر، پیدا کردن با دردیدن فرق داره، آگه کسی یک چیزی پیدا کنه، خوب پیدا کرده، هیچ بدی هم نداره، احمق نشو!»

مردم، وقتی که دونا نا سجا ره را با آن لباس پاره می دیدند که بدبختی اش را با گریه و شیون به تمام دنیا اعلام می کرد، دل - شان می سوخت، آن همه پول! زن بیچاره!

اما چه کسی پولها را برداشته است؟ نه، آن ها که چیزی پیدا کرده اند، آنها که خون آشام نیستند، آن چطور می شود در مقابل این التماس ها خونسردماند؟ چطور می شود وقتی که زن بیچاره دارد دیوانه می شود، پول را نگاه داشت و دم نزد؟ چطور می شود آنقدر سنگدل بود؟ نه، نه، هیچکس نمی تواند چنین حسابتی بکند، مردم می دانستند که زندگی جقدر سخت است.

رهگذرها وقتی که از کنار دونا نا می گذشتند، می پرسیدند:

«دونا نا، پولت رو کجا گم کردی؟ زن سجا ره انگار که کوش کرده با سنده همه جواب می داد که:

«نمی دونم، عزیزان من، نمی دونم امروز صبح مثل همیشه داشتم می رفتم کوآرا تا بول تون رو بدم و دنبال کار بگردم بقیه در صفحه ۷»

وضع زندگی دست یگرسانند، آمریکا که بنوشته، روزنامه نگار مترقی آن کشور - م بکل داویدو، بین ۱۰۰ سنا تور آن یک سیاهپوست دید همی شود و مردم آن کشور از ترس جوانان بیکاری که سیمای انسانی خود را از دست داده اند، از ساعت ۹ شب نمی توانند از خانه خود خارج شوند، اکنون «حقوق بشر» را در گردهمایی مادرید به میان آورده است تا مانع مذاکره و حل مسائل حاد در شود. و این همه تلاشها در مقابل پیشرفتهای چشمگیری است که در دوران تنش زدایی و همزیستی مسالمت آمیز نصیب همه، خلقها، همه، توده های زحمتکش و مستضعف جهان، همه، جنبش های رهایی بخش ملی، عوامریالیستی و دموکراتیک گشته است. امپریالیسم آمریکا می گویند روند تنش زدایی را مختل کند، همزیستی مسالمت آمیز نظامیهای اجتماعی مختلف را برهم زند، نیات تجاری کارخانه و توسعه طلبانه خود را بدیگران تحمیل کند، عاقل از اینکه دوران آن گذشته است: مردم رزمنده، جهان تصمیم قاطع دارند از رجعت بدوران «جنگ سرد» جلوگیری کنند، روند تنش زدایی را توسعه داده بی برگشت سازند، و تغییرات اساسی نیروها در سطح جهانی چنین امکانی را وجود آورده است. ■

اما در برابر قاهره واشنگتن تعهداتی چنین مشخص به گردن نگرفته است. آمریکا بی‌ها ترجیح داده اند که به وعده‌های زیرین اکتفا کنند: اقدام به مذاکرات دربارۀ اعزام یک گروه بزرگ کارشناسان و مستشاران فنی نظامی آمریکا بی... تا مین حمایت نظامی آمریکا از مصر، در صورت درگیری آن با یکی از همسایگان خود... دادن سلاحهای مدرن به ارتش مصر تا بتواند به کشورهای جهان سوم که مورد تهدید "عملیات خرابکاری داخلی" یا "کمونیسیم بین‌المللی" هستند کمک برساند... تهیه یک برنامه کمک آمریکا (اوروپای باختری) در زمینه های اقتصادی و مالی به میزان چندین میلیارد دلار طی پنج سال (نوع تازه‌ای از "نقشه مارشال")...

واشنگتن، با آئیندنگی، همچنین گسترش همکاری میان قاهره و تل آویو را تشویق می‌کند، و این دو از جمله در موارد زیرین متعهد شدند که:

... یک سیستم مشورتی سیاسی و نظامی ترتیب دهند تا به اتفاق هم هرگونه عملیاتی را که جنبه یا بیداری عرب بدان دست زدن دفع کنند. حتی پیش از خروج اسرائیل از صحرای سینا، پایه‌های یک اتحاد نظامی را بریزند... یک سیستم همکاری میان سازمان‌های جاسوسی دو کشور در خارج به وجود آورند... مصر درباره نقش سازمان آزادیبخش فلسطین در حل مسئله تعیین سرنوشت کرانه باختری رود اردن و نوار غزه اصرار نخواهد ورزید... در پی موافقت‌های کمپ دیوید، موخای اعتراض جهان عرب را فراموش. حتی دولت‌های آن دسته از کشورهای عرب که واشنگتن و قاهره را مبدا و راسخ روس مساعدی در پیش بگیرند بر ضد قرارداد کمپ دیوید به مخالفت برخاستند. در نتیجه، رژیم سادات بیش از هر زمانی سروری ماند در سوا میر ۱۹۷۸، روسای کشورهای عرب جنبه بایاداری در بغداد گرد آمدند و به اتفاق آراء قرارداد کمپ دیوید را رد کردند و تصمیم گرفتند که روابط سیاسی و هرگونه رابطه دیگر خود را با مصر قطع و مصر را از عضویت در اتحادیه عرب محروم سازند.

معامله جداگانه

وزیانی که به بار آورد

حتی پیش از سرنگونی رژیم شاه در ایران، واشنگتن در صدد برآمد مودک‌ه برای حبران اردست دادن احتمالی ایران چاره‌های بخوید. از این رو برای انعقاد معامله مصر و اسرائیل، که به گمان کاح سفید می‌باشد به تقویت حضور نظامی آمریکا در خاور نزدیک کمک کند، تا کید می‌رفت.

در نخستین روزهای مارس ۱۹۷۹، هنگامی که کارتر برای نجات معامله کمپ دیوید میان قاهره و اورشلیم در رفت و سرکشت بود، مطبوعات بورژوازی برای ردن رنگ همچنان به حوادث جاری کم تلاش نمود. این مطبوعات تا بدانجا پیش می‌رفت که ادعا کنند کارتر رفتار نیرومندی بر اسرائیل وارد ساخته است تا بتواند با یک قرارداد امضاء شده به واشنگتن بازگردد. با این همه، حوادث بعدی نا درست بودن این ادعا را ثابت کرد. کارتر کمتر درباره نرم شدن مواضع اسرائیل اصرار می‌ورزید تا درباره امتیازات تازه‌ای که سادات می‌بایست بدهد، ولی عمده چانه زدن‌ها در اطراف تعهدات و تضمین‌هایی که واشنگتن می‌بایست عرضه کند و در می‌زد. در حالی که پرده اول نمایش "صل مسئله" خاور نزدیک "با امضای چارچوب

کذا می‌صلح" پایان یافته بود، پردۀ دوم آن به انعقاد یک "معاهده صلح میان جمهوری عربی مصر و اسرائیل منجر گشت. سادات و یکی امضای خود را در پای این سند نهادند. رئیس جمهور آمریکا نیز امضای خود را به امضای آن دولتی ساخت، و چنان که در متن رسمی سند آمده است شرکت او به عنوان یک گوا بوده است. با این همه، هیچکس درباره نقش حقیقی طرف آمریکا بی این قضیه فریب نخورد. سادات درباره معاهده صلح با یکدیگر که ۹۹٪ آن نتیجه مساعی ایالات متحد آمریکا بوده است. خود کارتر نیز در مراسم امضای آن با شورا احساس گفت: "ما موفق شدیم!"

ولی این پیروزی سریعاً به متلاشی شدن دیپلماتی کمپ دیوید انجام می‌شد. معاهده جداگانه به رغم آنچه در مقدمه اش ادعا می‌شود، "گام مهمی در جستجوی یک صلح عمومی در این منطقه" نشده است. بر عکس، این معاهده موانع تازه‌ای بر سر راه حل فصل مسئله ایجاد کرده است تا ز غارت‌ها - ای را موجب شده است.

حتی برخی ناظران آمریکایی با نگرانی تأیید کرده‌اند که هیچک از میان - های صلح‌سالهای اخیر با چنان مسافه، تسلیحاتی که در معامله جداگانه سادات و یکی پیش بینی شده همراه نبوده است. در واقع، طبق برآورد وزارت خارجه، ایالات متحد آمریکا تاکنون برای خاور نزدیک بیش از آنچه برای "نقشه مارشال" مایه گذاشته بودند خرج کرده‌اند. از هنگام انعقاد دومین قرارداد سینا در ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۷۸، میا حیکری نیکخواهانه آمریکا بیش از ۱۵ میلیارد دلار برای این دولت تمام شده است که بیش از نیمی از آن برای هزینه‌های نظامی اسرائیل و تا اندازه‌ای هم مصر به کار رفته است. پس از کمپ دیوید به اسرائیل، گذشته از دو میلیارد دلار اعتبار رساله برای خرید تسلیحات، سه میلیارد دلار و سه صد و شصت و شش میلیون دلار هزینه‌های نظامی در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۱ اعطا شده است و این تنها ارقا می‌است که رسماً اعلام شده است. اما، چنان که طرف‌های معامله مدعیان اعتراف دارند، مواد بسیاری در ضام‌سری معاهد وجود دارد. طبق با - ره‌ای برآورد‌های آمریکا بی، رقم کمکی‌هایی که به مصر و اسرائیل، تا سال ۱۹۸۲ از سوی آمریکا داده خواهد شد بیش از بیست میلیارد دلار خواهد بود. به گفته یک مفسر آمریکایی، ایالات متحد آمریکا بحای آن که یکی از طرف‌های معاهده صلح با شکی از شرکای منازعه‌ای فیصل نیافته شده است، در عوض اسرائیل اکنون دست‌های خود را از می - بپنید، تل آویو، پس از آن که مصر را وادار به تسلیم کرد، جنبه تازه‌ای را - این بار بر ضد لبنان - گشوده است و بر نشا رونعدی خود بر اهالی سرزمین‌های اشغالی عرب و بر عملیات تنبیهی خود بر عدآنان بار هم افزوده است.

جدا سازی تازه نیروها

در ده روزۀ اول ژانویه ۱۹۸۰، سادات و یکی چند روزی را در جزیره زیبای الفا - نتین در نزدیکی اسوان بسر بردند. این بار آن دو با هم تنها بودند، فارغ از میا - نجیگری کارتر. روزنامه‌های مصر و اسرائیل این ملاقات را، مانند کمپ دیوید، یک واقعه تاریخی نام دادند. و این در آستانه برقراری روابط سیاسی میان دو کشور بود. خود شرکت کنندگان این دیدار را "دوستانه" توصیف کردند، و در کنفرانس مطبوعاتی ۱۵ ژانویه در اسوان، هر یک به دیگری "دوست عزیزم" گفتند. در عکس - هایی که در روزنامه‌ها چاپ شد، سادات و یکی گاه دست یکدیگر را می‌فشارند، گاه یکدیگر را با هم درگفت و شنود هستند و گاه نیز جام خود را به سلامت یکدیگر بلند می -

کنند... در این ملاقات، سرانجام فرمول قابل قبولی برای حل مسئله فلسطین می - با یست تدوین شود. چنین چیزی صورت نگرفت، اما این امر مانع از آن نشد که در زمینه‌های چندی ترتیب همکاری مصر و اسرائیل داده شود. پیش از همه، باید از هما هنگی نزدیک فعالیت‌های دو کشور در سیاست منطقه نام برد. عکس‌سوی در میلیو عا چاپ شده است که سادات و یکی را در حالی که روی نقشه خاور نزدیک خم شده‌اند نشان می‌دهد. طبق نوشته "آفریقای جوان" سادات یکی راه نقش مهم مصر برای تأمین "حفظ امنیت منطقه" متفا عدمی ساخت و گاه منطقه خلیج فارس را نشان می‌داد که از لحاظ نفت ثروتمند است و مصر از هم اکنون کارشناسان نظامی خود را برای کمک به سلطان عمان بدانجا فرستاده است. و گاه افغانستان را که در آن ضد انقلابیونی که در مصر تعلیم و تمرین دیده‌اند مشغول فعالیت‌اند، گاه تیوپی را که در آن سلاح‌ها و مهمات مصری برای جدایی طلبان فرستاده شده است، گاه لیبی که سربازان مصری در مرز شمرکز یافته‌اند، و گاه نیز عربستان سعودی که هواپیما های مصری و آمریکایی ما نوورهای مشترکی بر فراز قلمرو آن انجام می‌دهند. پایگاه هوایی مصری قنہ، در نزدیکی لوکسور در اختیار نیروی هوایی آمریکا گذاشته شده است که از جمله هواپیما - های آ و اکس به اتفاق ۲۵۰ نظامی در آن مستقرند. همین گروه بوده‌اند که در ماه آوریل گذشته به عنوان نیروی پشتیبان برای عملیات تهاجمی کوماندوهای هوا - برد آمریکا بی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است.

سادات، در حالی که با انگشت خود نقشه را نشان می‌داد، به مخاطب خود گوشزد می‌کرد که به کمک سلاح‌های آمریکایی و تفاهم اسرائیل، مصر خواهد توانست "خلاش" را که در دنیای اسلام پدید آمده است بربکند. ولی یکی بی چندان توجی به سخنان سادات گوش می‌داد و سرگرم رویا - های خود بود. او روی نقشه مرزهای "اسرائیل بزرگ" را که از نیل تا فرات باید گسترش یابد می‌دید. اما نقشه‌های استراتژیکی سادات در نظرش واقع نبوده نمی‌نمود. از همین روسته همه استدلالات سادات با این عبارت مبهم جواب داد:

... می‌فهمم چه می‌فرمایید، ولی... این همه مانع از آن نشد که اسرائیل و مصر روابط کامل سیاسی با هم برقرار کنند. زوز ۲۶ فوریه، نخستین سفیر اسرائیل اعتبارنامه خود را در قاهره تقدیم کرد و اکنون پرچم اسرائیل بر فراز ساختمان تقریباً در همسایگی مقر سادات در اهتراز است. همین پرچم در بخش الحاقی بیت المقدس نیز که "پایتخت جاودانه و تقسیم ناپذیر" اسرائیل اعلام شده برافراشته است. همچنین این پرچم بر ارتفاعات جولان، در سوره بر کرانه، باختری رود اردن و بر سرزمین‌های قدیمی مصر در صحرای سینا سایه افکنده است.

مختصر کنیم، "صلح کمپ دیوید" جز آن که مرزهای جغرافیایی منازعات خاور نزدیک را گسترش دهد نتیجه‌ای نداده است. اکنون دنیا با کلاف بین‌المللی درگیرها در خاور نزدیک و میان سرکار دارد که نقطه تلاقی مسائل فراوان داخلی و خارجی می‌باشد. مسائل داخلی منطقه، اکنون هم مانند گذشته، به علت تضاد میان صهیونسم و جنبش‌های بخش عرب است. اما مسائل خارجی از یک سوبه سبب سیاست نواستعماری ایالات متحد و از سوی دیگر به سبب تضاد - های بین خودکشورهای امپریالیست می - باشد که برای نفت، بازارهای فروش و مناطق نفوذ با هم مبارزه دارند. با در نظر گرفتن پراکندگی در جهان عرب به سبب خیانت سادات و وخامت روابط

بقیه عقلی و غیر عقلی

عقلی و غیر عقلی لحظه‌های روند واحد تحول پراکسیس و شناخت‌اند. هگل می - خواست غیر عقلی را با و انمود کردن آن به عنوان عنصری از فکرنطری یکبار برای همیشه حل کند. با این همه، این کار چندان ساده نیست. غیر عقلی بتدریج که شریعت و فکرش پیشرفت می‌کند، ناپدید می‌شود. روند تاریخی تبدیل غیر عقلی به عقلی هرگز در حرکت شناخت و پراکسیس به پایان نمی‌رسد. همیشه بخشی از غیر عقلی باقی می‌ماند، زیرا هنگامی که چیزی از دایره عقلی بودن بیرون می‌آید دیگری حایش را می‌گیرد. فکراسان همیشه با موضوعات جدیدی روبروست که عقل وی هنوز آن را بفرمان خود در نیاورد است.

رفتار انسان نسبت به شناخت شبیه رفتاری است که در بررسی پدیده‌ها و رویداد - های واقعیت عینی در پیش می‌گیرد. انسان شناخت را مانند روند عینی مستقل از تصور فرد می‌داند. و در این جا، یعنی در "اله" شناخت شناخت غیر مقلوبه عقلی و غیر - عقلی روبرو هستیم. لحظه‌های مختلف حرکت شناخت در چارچوب‌ها و مقوله‌های فکری پدید آمده داخل می‌شوند و برخی‌ها تا دوره معین در شمار "بقیای غیر عقلی" قرار دارند. فکر هرگز در برابر این "بقیای" ساکت نمی‌نشیند و آن را همچون معمای جاوید تلقی نمی‌کند. با وجود این، هر راه حلی تنها روشن گردانیدن اسرار نیست، بلکه راه گشودن بسوی اسرار جدید است. بحق در پراکسیس و در اشکال فکراست که غیر عقلی به عقلی تبدیل می‌شود و شکل‌هایی بدست می‌آید که انسان به آن نیاز دارد و می‌تواند آن را درک کند.

با این همه، فلسفه ما رکیستی ضمن نفی عقل گریزی (ایراسونالیسم) بمثابه یک دریافت فلسفی ایدئالیستی، وجود غیر عقلی را به عنوان یک چیز ضد عقلی انکار نمی‌کند. (۱) و به اعتبار عقلی ماهیت و روابط آن را بشوهد خود تفسیر می‌کنند. ایراسونالیسم به وسیله عقل گرای بی (راسونالیسم) که دکترینی بیروح است، بلکه بوسیله دریافت فلسفی پس ژرف و پیچیده که به عقل منحول و پراکسیس انسان گرایش دارد نفی می‌شود. عقل نیرویش را در غلبه بر آنچه که به عنوان یک چیز مخالف در برابر وی قد علم می‌کند، نشان می‌دهد. پراکسیس انسان و عقل مبتنی بر آن می - توانند غیر عقلی را به عقلی تبدیل نمایند. پس بنا بر این، هیچ شکل عقل و کار بردهای تاریخی آن را نباید یک چیز مطلق و انمود ساخت. در این جایگاه ردیگر با بداین واقعیت راناکید نمود که تحول پراکسیس و عقل انسان در جهت از میان بر - داشتن غیر عقلی پیش می‌رود. اما ماهیت این تحول در اشکال مشخص آن همیشه نسبی است.

عقلی در فکریه دو صورت وجود دارد که یکی به فهم و دیگری به عقل مربوط است.

۱- با بد غیر عقلی را از لاعقلی تمیز داد. عقل گریزی معتقد به وجود لاعقلی است که هرگز نمی‌تواند به عقلی بدل شود. تئوری مارکسیستی شناخت در شرایط مفروض به وجود غیر عقلی معترف است و اعتقاد دارد که غیر عقلی تحت تأثیر پراکسیس انسان و عقل به عقلی بدل می‌شود.

بیشتر کشورهای عرب و ایران با ایالات متحد آمریکا، و به سبب جنگی که میان عراق و ایران در گرفته است، همه این تضادها گرهی به ظاهر کوریه وجود آورده‌اند که با همه این احوال می‌تواند با بدگشوده شود. بدین منظوره، طرف‌های ذی نفع، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین، با بد تلاش مشترکی انجام دهند. سیاست نظامی‌گری و معامله جداگانه تنها به یک بن بست پیوسته عمیق تر منجر می‌شود.

# بخش عمومی: (۲)

## مضمون اجتماعی و مرحله‌های اساسی

نظریه: لنین امکان داد که راه واقعی و موثری برای ساختن سوسیالیسم در اتحاد شوروی، مخصوصاً با استفاده از نمونه‌های معین سرمایه داری (سرمایه داری دولتی) طرح ریزی شود. درحقیقت تنها با الهام از تئوری لنینی ساختارهاست که ما امکان حذف مرحله رشد سرمایه داری برای کشورهای عقب مانده را بطور کامل درک می‌کنیم.

تعداد ساختارهای جهان سوم در زمان مانه تنها بیانگر این است که رابطه ویژه، متقابل ساختارها ماهیت اجتماعی - اقتصادی راه رشد غیر سرمایه داری را تشکیل می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد که این روابط متقابل می‌توانند متنوع باشند. در مرحله معین رشد جامعه چند ساختار، هنگامی که مبارزه طبقاتی در آن جریان می‌یابد، کیفیت جدیدی در دستگاه دولتی و بخش عمومی بوجود می‌آید. خود این بخش به نوبه خود به عامل مهمی برای تحول و دگرگونی کشور چند ساختار به بدل می‌شود. این کیفیت ناگهان پدیدار نمی‌شود و همه جا به عکس است (زیرا این امر نتیجه مبارزه پیروز مند توده‌ها زحمتکش است)، هر چند گرایش در این جهت به وضوح در همه کشورهای جهان سوم نمایان است. بیدایش کیفیت جدید یکی از مهمترین شرایط رشد غیر سرمایه داری این کشورها، یا دقیق تر رشد آنها در جهت سوسیالیسم است.

این شرایط در نفس خود ایدیه بفرنج وسیعی در باره خلعت متضاد نخستین گامها بسوی سوسیالیسم در جامعه چند ساختار، امروز جهان سوم بدست می‌دهد. در حال حاضر اهمیت عظیم نقش قشرهای اجتماعی که بطور اساسی با آنها دهای زیر ساختار پیوند دارند، در رابطه با تاثیر واقعی است. کسب طبقات زحمتکش، مخصوصاً پرولتاریا در سمت گیری، شکل‌ها و اسلوب‌های این دگرگونیهای اجتماعی دارند. قشرهای فوقانی (وابسته به روسا ساختار سیاسی) که اساساً منشأ خرد بورژوازی دارند، می‌توانند فرا ترا منافع فوری آن طبقاتی عمل کنند که از آنها بوجود آمده اند و در نتیجه به مواضع ساختار دیگر منتقل شوند. برای این است که این عناصر انقلابی و دموکراتیک طی یک دوره طولانی برای ایجاد مجموعه ای از شرایط رشد در جهت سوسیالیستی فعالانه عمل می‌کنند. قدرتی که در دست دموکرات‌های انقلابی منطقی قرار دارد وسیله مهمی برای بیداری وجدان طبقاتی و گسترش فعالیت سیاسی زحمتکشان عمدتاً غیر پرولتاریا و نیمه پرولتاریا در مقیاس وسیعی بوده‌های پرولتاریاست. البته چنین حکومت‌هایی (یا رجال دولتی معین) که در جهت اعمال سیاست آگاهانه، معقولانه و بنیادی گام بر می‌دارند، بالنسبه زود به ضرورت غلبه بر مقاومت کارمندان متنفذ دستگاه دولتی بی می‌برند.

یانه عینی تعداد زیادی از مشکلات مربوط به مراحل ابتدایی تغییرات سیاسی ماقبل سوسیالیستی جامعه چند ساختار و امکان تکان‌های شدید در نظام‌های منطقی - هم از دوگانگی ویژه قشرهای غیر پرولتاریا و نیمه پرولتاریا (و در مقیاس معینی از این واقعیت که طبقه کارگر هنوز کاملاً به طبقه برای خود تبدیل نشده) و هم از لغزش و کوتاهی بنی خنجان و گرایش برخی از قشرهای آن در استفاده از کارکردهای مهم دستگاه دولتی منحصر در جهت منافع خود - خواهانه، انگلی و در حقیقت مقاصد استثماری کارانه ناشی می‌شود. در این حالت مشخص استقلال نسبی دستگاه دولتی در جامعه چند ساختار به نیروی منفی بدل شده، تغییرات ترقیخواهانه را نابود می‌کند و غالباً ابزار برای بازگشت به عقب، ضد انقلاب و نواستعمار است. این امر هر نوع مطلق کردن جنبه‌های مثبت و منفی فعالیت اجتماعی دستگاه دولتی را نفی می‌کند و می‌طلبد که در هر مرحله از دگرگونی این یا آن کشور چند ساختار به تحلیل مشخصی از فعالیت این دستگاه بعمل آید.

بخش سرمایه داری دولتی که برای غلبه بر عقب - ماندگی اقتصادی بوجود آمده و به نفع ساختارهای معین عمل می‌کند (و تغییر آن به همین دلیل است) به نقطه تمرکز هر چه بیشتر شرایط مادی، تولیدی و طبقاتی برای تسدازک ساختن سوسیالیسم بدل شده است. از لحاظ سیاسی در مرحله ای که شاخص آن به قدرت رسیدن نمایندگان زحمتکش (مخصوصاً طبقات غیر پرولتاریا و نیمه پرولتاریا) است ساختار سرمایه داری دولتی وظایف طبقاتی و اجتماعی جدیدی برای خود مطرح می‌سازد. ایجاد شرایط یا دنده سوسیالیسم در بطن آن به هیچ وجه نمی‌تواند به عنوان یک چیز اضافی و به دلیل قوی تر خود بخودی، همانطور که حالت مراحل قبلی بود، تلقی شود.

پس بنا بر این، در مرحله معینی، تنوع اقتصادی ملی و پیشرفت‌های خصلت اجتماعی تولید، یعنی ایجاد پایه مادی و فنی جدید ساختار سوسیالیسم منحصر یا بطور اساسی در چارچوب بخش سرمایه داری دولتی جریان می‌یابد. در بقیه در صفحه ۷

آمدن سرمایه داری دولتی شده است. اختلافات (و سپس نابازگاری) از همین جاست، زیرا هر ساختار بشیوه خود خلعت و سرنوشت آینده بخش عمومی را نشان می‌دهد، اما امکان موجودیت مستقل آن را نفی نمی‌کند.

این امر به پیدایش قشرهای جدید طبقاتی مربوط است که ما بیلند حوادث در این جهت گسترش یا بد در حقیقت گسترش سرمایه داری دولتی از یک سو قشر متنفذ خنجان فنی - بوروکراتیک اداری و از سوی دیگر بخش ویژه طبقه کارگر شاغل در موسسات دولتی را بوجود می‌آورد. البته خنجان اداری همواره با طبقه‌ای پیوند دارند که در مرحله معینی در راس اقتصاد و در مقیاس بزرگتر در راس سیاست قرار دارند و حتی می‌توانند بخش تشکیل دهنده آن باشند. اما بنا به قاعده کلی در کشوری با جامعه چند ساختار و وضعیت سیاسی مخصوصاً در مراحل معین تحول اجتماعی - اقتصادی ثابت نیست. زیرا اتحادهای طبقات (یا قشرها یا شان) به تناوب به قدرت می‌رسند. در ترکیب اجتماعی درون اتحادها کم نیز می‌تواند تغییراتی بوجود آید. چنین تغییراتی روابط خنجان اداری را با قشر پیشین رهبری متزلزل ساخته و در مقیاس معین می‌گسند.

بوروکراسی در مرحله معینی از تحول جامعه چند ساختار در مقیاس وسیع و گاه قطعی به سخنگو و حامل مستقل "منافع" بخش عمومی بدل می‌شود. بنا بر این، استقلال معین بوروکراسی در برابر سایر نیروهای طبقاتی معنی جدیدی کسب می‌کند. بنا بر این، در این وضعیت، تلقی بوروکراسی تنها به عنوان "بازتاب" یا "پرتوی" از تمایلات (ولوجزی) سایر نیروهای اجتماعی نادرست است. بوروکراسی نیز دارای منافع خاص خویش است و از آن بقدر کافی آگاهی دارد و می‌تواند بطور فعال و موثر از آن دفاع کند.

بنا بر این، مبارزه طبقاتی حادی پیرامون سرمایه داری دولتی در می‌گیرد، مبارزه‌ای که طی آن امکانات مخفی دگرگونی‌های آینده آن نمودار می‌گردد.

بهترین امکانات برای گسترش گرایش‌های ترقی - خواهانه بخش عمومی در دگرگونی اقتصادی و اجتماعی کشور هنگامی پدیدار می‌شود که قدرت در دست نمایندگان توده‌های زحمتکش باشد. در این صورت است که بخش عمومی استحکام می‌یابد و در مبارزه برای استقلال اقتصادی، لغو تدریجی نابرابری‌های اجتماعی و اعتدالی سطح زندگی مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در عین حال می‌بینیم که وظیفه مربوط به تحکیم سازماندهی ساختار بخش عمومی و دموکراتیک کردن آن روبرو پیشرفت است. اجرای این وظیفه امکان خواهد داد که تاثیر موسسه عمومی بیشتر شود و به وجه مطلوبی با نیازهای اساسی رشد اجتماعی هماهنگ گردد.

برای مشخص کردن مقام بخش عمومی در حل مساله ملی که کسب استقلال اقتصادی ضرورت آن را مطرح می‌سازد و نیز برای گام نهادن در راه رشد غیر سرمایه داری باید نسبت به هر ساختار و مخصوصاً تا تیر متقابل آنها برخورد متفاوتی داشت.

لنین در ۱۹۲۱ در تحلیل تقسیم ساختارها در روسیه در آغاز تغییر سوسیالیستی جامعه به این نتیجه می‌رسد که در مرحله گذار مقروض "این سرمایه داری نیست که اینجا با سوسیالیسم وارد کشمکش می‌شود، بلکه خرده بورژوازی و سرمایه داری خصوصی است که دوش به دوش یکدیگر بر ضد سرمایه دگر دولتی و سوسیالیسم به مبارزه بر می‌خیزند". (لنین، آثار، ج ۳۲، ص ۳۵۱). سپس لنین از آن به نتیجه می‌رسد که با مساله بررسی کشورهای دارای جامعه چند ساختار، نعا صراحتاً تردید دارد. او می‌نویسد: "در سالهای آینده برای آسان کردن گذار از سیستم پدرا لاری و تولید کوچک به سوسیالیسم باید بتوانیم حلقه‌های بینا بینی را مورد بررسی قرار دهیم غالباً برای ما "اتفاق افتاده که ما را با این استدلال فریب می‌دهند: "سرمایه داری بد است. سوسیالیسم خوب است". البته این استدلال نادرست است، زیرا کلیت نظم - های موجود اقتصادی را در جامعه ماد در نظر نمی‌گیرد، تنها دوتای آن را در نظر می‌گیرد.

سرمایه داری نسبت به سوسیالیسم بد است. اما سرمایه داری نسبت به قرون وسطی، تولید کوچک و بوروکراسی مولود پراکنندگی تولید کنندگان کوچک خوب است (همانجا).

هنگامی که تغییرات پدید آمده در مضمون اجتماعی - اقتصادی، طبقاتی و سیاسی ساختار سرمایه داری دولتی در مجموع مورد بررسی قرار می‌گیرد و هنگامی که این ساختار در جریان رشد از زیبایی می‌شود، در برابر ما نه فقط یک ساختار، بلکه زنجیرهای از ساختارهای مستقل پدیدار می‌شوند که مرحله‌های یکدیگرند. در این صورت می‌توان از تنوع کیفی سرمایه داری دولتی در کشورهای مختلف صحبت داشت.

تحلیل تغییرات اجتماعی حاصله در بخش عمومی، هنگامی که کشور راه رشد سوسیالیستی انتخاب کرد، اهمیت ویژه دارد. این تغییرات به چه چیز مشروط است؟ نخست اینکه بخش فوقانی بورژوازی ملی (بزرگ و متوسط) از قدرت سیاسی رانده می‌شود و علاوه بر این یک رشته تصمیمات عمده سیاسی علی رغم اراده وی اتخاذ می‌گردد (و حتی در مورد محکولی مواضع اقتصادی شان اقدام بعمل می‌آید). بخش‌های دیگر بورژوازی، یعنی قشرهای پایینی آن باقی می‌مانند و حتی در ارگان‌های بالایی دولت نماینده دارند. اما در این حالت نیز آنها با سایر طبقات در قدرت شرکت دارند. بنا بر این، موضوع اساسی (در لولای رابطه طبقاتی) عبارت از این است که بخش عمومی به تمامی یا در مقیاس مؤثری از نظارت بورژوازی محلی خارج می‌شود، در صورتی که بنا به قاعده کلی نفوذ قشرهای پایینی بورژوازی و توجه به منافع شان از بین نمی‌رود و گاه حتی نسبت به آنچه در گذشته بوده، تقویت می‌گردد.

ویژگی دگرگونی اجتماعی که در این حالت انجام گرفته (با می‌گیرد) نه تنها در این مساله که چه طبقه‌ای از بین رفته (یا چه قشرهایی از این طبقه از بین رفته اند) بلکه به طور کلی در این است که چه طبقه‌ای قدرت را بدست آورده و مخصوصاً نظارت خود را بر بخش عمومی تأمین کرده است. با این همه، این ویژگی نشان می‌دهد که در مرحله مفروض تاریخی این به طبقه کارگر، بلکه سایر طبقات و قشرهای زحمتکش (غیر پرولتاریا و نیمه پرولتاریا) اند که خلوص ظاهر می‌شوند. این عناصر جمعیت زحمتکش فوق العاده متنوع اند. اما به عقیده ما در گروه خرده بورژوازی طبقه بندی می‌شوند.

بخش عمومی در صورتی که رهبری در اتحاد وسیع با طبقات در دست خرده بورژوازی باشد، بطور قابل ملاحظه گسترش می‌یابد. و این درجای نخست به موهبت ملی شدن مالکیت خصوصی سرمایه داری بورژوازی بزرگ خارجی و محلی است. از لحاظ کیفی بخش عمومی در برابر سایر ساختارهای موجود استقلال عظیمی بدست می‌آورد.

ایدئولوژی‌های طبقات و قشرهای مختلف نسبت به کشف و تبیین بیدیه سرمایه داری دولتی و امکانات عینی تحول آن واکنش یکسانی ندارند. در میان ستایشگران سرمایه داری خصوصی پیشرفته افراد ذیصلاح کمی برای تحلیل درست این بیدیه وجود دارند، زیرا این ساختار حتی برای استقرار سرمایه داری دولتی بالنسبه مستقل مورد توجه شان نیست. طرفداران تولید کوچک سرمایه داری در تحلیل خود رفتار عینی تری دارند، زیرا قشرهای پایینی بورژوازی ملی خود را نسبت به وجود گسترده و بس مستقل سرمایه داری دولتی ذینفع می‌دانند.

نمایندگان ساختار خرده کالایی رادیکال سوسیالیسم و نیز از خود نشان می‌دهند (که در مقیاس معینی افراطی و بنا بر این خیال پرستانه است). این امر به هیچ وجه مانع از آن نیست که قشرهای ویژه‌ای از خرده بورژوازی (و سخنگویان نشان) در مرحله معینی (یا بطور کلی) خود را نسبت به بخش عمومی بسیار محافظه کار نشان ندهند. اما در مجموع، نمایندگان تمایلات رادیکال انقلابی توده‌های خرده بورژوازی این استعداد (توانایی) هستند که در زمینه توسعه بخش عمومی و نیز در تحلیل قوانین عینی درونی تحول آن اقدامات عملی فعالی در پیش گیرند. منافع طبقاتی خرده بورژوازی چنان است که میدان عمل وسیعی برای فعالیت سرمایه داری دولتی (حتی با وارد کردن هر موسسه خصوصی سرمایه داری یا بخشی از این موسسات در چارچوب آن) بوجود می‌آورد. بخش مذکور برای آنها به مثابه یک عامل خارجی نافع و مساعد است، زیرا ماهیت طبقاتی ساختار خرده کالایی چنین اقتضا می‌کند.

بنا بر این، می‌بینیم که درجه اصلی ای آزمیندارج مختلف مطلوب پدیدار می‌شود که با رشد سرمایه داری دولتی از جانب دیگر ساختارها و طبقات مربوط پیوند دارند. ساختارهای موسسه انحصارگر خارجی و ساختار خرده کالایی در طیف این درجه اصلی قرار دارند. و هر چند بنا به قاعده کلی حجم، شکل و راه‌های سرمایه داری دولتی و مهمتر از همه خلعت آن متفاوت اند، تا زمانی که نیروهای سیاسی وابسته به ساختارهای گوناگون در حیات اجتماعی فرمانروایی دارند، به همان اندازه برای همه آنها یک چیز خوب یا بد، کم و بیش خدمتگزار و مزاحم وجودندارد.

منافع مشترک (ملی) اکثریت ساختارها موجب پدید

# مضمون اجتماعی...

این شرایط رشد نیروهای مولده طبیعتاً ویژگی‌های کسب می‌کنند که با ویژگی‌های آن در محیط سرمایه داری خصوصی متفاوت است. عناصر خودبخودی تحت تأثیر عناصر برنامه - ریزی قاطعانه از زمین می‌روود و دیرتوان برای ترقی بسیار سریع و چندشکل‌ی اقتصادی ذخایر اساسی و امکانات تازه. ای موجود می‌آید. اهرم‌های متفاوت روابط کالایی - پولی که در دست دولت متمرکز است امکان می‌دهد که قانون ارزش بطریق بسیار معقولانه و کاملاً ملی مورد استفاده قرار گیرد و این نه تنها به نفع ممتدی از سرمایه داران بلکه به نفع اعتدالی سودآوری، افزایش انباشت داخلی، تأمین رشد بسیار منظم اقتصاد در حیط مناطق بالابردن درآمدی طبقات زحمتکش و آسان کردن حل مسأله اشتغال و غیره است. در پرتو این شرایط قوانین عینی جدید تحول اقتصادی پدیدار می‌شود که برای پیشرفت موثرتر و سریع تر استقلال اقتصادی امکانات تازه ای فراهم می‌سازد.

در عین حال در جهان سوم شاهد رشد نیروهای طبقاتی - ای هستیم که به گزینش غیر سرمایه داری سوسیالیستی رشد اجتماعی گرایش دارند. اکنون خرد بورژوازی جهان کاملاً نتواند نقش ترقیخواهانه و حتی انقلابی بازی کند. اما مطلق کردن این روحیه انقلابی در عرصه سیاسی دیدنا درست و خطرناکی است. در بسیاری کشورهای در راه رشد قشرهای مهمی زخمرده - بورژوازی در برابری طبقات دولت مند صرف آرای می‌کنند. در برخی کشورها، پس از انجام دگرگونی‌های مهم بنیادی خطر انحرافات چپ گرایانه که در مقیاس‌های گوناگون تهدیدکننده برای گسترش معقولانه دگرگونی‌های ترقیخواهانه به شمار می‌رود، در کمین است. البته، ساختارهای متنوع که خرد - بورژوازی نمایشگران است و محیط اجتماعی ناممکنی که او در آن تحول می‌یابد، امکاناتی برای جلوهای مخطف دوگانگی سیاسی وی در کشورهای مختلف چند ساختاره به وجود می‌آورد. پس بنابراین، نیروهای محرک دگرگونی‌های اجتماعی جامعه در جهان سوم به روشنی از آنجه که در کشورهای سرمایه داری غرب می‌بینیم متفاوت دارد. با این همه، گرایش زیر

# موسوکو

تا ایستگاه‌ها آلتا هم رفته بودم... بعد... خداوند! وحشتناکه! یک مرتبه فهمیدم که پوالم نیست! فوری برگشتم خونه. توی راه برگشتن هرا پنج‌جاهه رو خوب گشتم. وقتی رسیدم خونه، مثل دیوونه‌ها همه چیز رو زیر و رو کردم. توی صندوق‌ها و گوشه‌ها رو گشتم. لای لباسها... هیچ‌جا نبود! همه - سوراخ سینه‌ها رو گشتم. حتی توی شک‌ها رو. بازهم پیدا نکردم. بعد دونایا ناله در دناکی داد. "اون همه کاره‌ها رو هم گرسنگی وترس توی جنگل، اون همه زحمت توی بازار با اون مشتری‌های مشکل پسند... آخوش چی‌شد؟ هرچی با اون کارهای طاقت فرسا درآورده بودم، کم‌کردم!! وی!!" و از شدت پریشانی دست‌هایش را به هم دیگری زد. "دیگه همه‌جا یابنگو میوتا دادم. رفتم توی بونگو هم دادم. توی مایانگام هم همینطور. توی بازار گوشت و ماهی هم دادم زدم. کارم دیگه ساخت خسته! همه‌جا فریاد زدم! آوی، آوی، آوی! کارم ساخته اس! هیچکس بول رو پس نیاورد - هیچکس!"

"آی، آی، آی! یکی پول رو برداشته چرا پس نیاورده! به این زن بیچاره گوش کنین، داده دیوونه می‌شه، چرا پولی رو که مال خودتون نیست پس نمیدین! خب! آه! چه آدم‌های پستی توی این دنیا پیدا میشن! چیزی رو که مال خودشون نیست ورمیدارن!"

"کی، کی، کی، کیوکی توکیلا! (مال تو مال تو، مال تو، اما میشه دشمن تو!) این آواز پراننده کوچک خاکستری رنگی که سینه سفیدی داشت خواند و سبکبال از یک شاخه درخت توت به شاخه دیگری پرید. روزها در عذاب طاقت فرسا بدنبال هم می‌گذشتند. تمام فقیران لوآندا خود را عمیقاً در رنج‌دوانا سپیم می‌دانستند و طوی با او همدردی می‌کردند که گویی این فاجعه

بسیار با معناست: هر قدر توده‌های زحمتکش کشورهای بافته در فعالیت‌های خود بر ضد مستمکران خارجی و محلی را دیکار تر باشند، یا هر قدر کشورهای مختلف در راه دگرگونی‌های اجتماعی پیشرفت بیشتری بنمایند، تا ثیر نیروی جاذبه سوسیالیسم علمی در توده‌ها نیرومندتر و آگاهانه‌تر خواهد بود و آن بیشتر آنها را می‌گیرند.

یک سؤال مطرح می‌شود: در این صورت نقش طبقه کارگر چیست؟ آیا نقش این طبقه کاهش یافته و منفی شده است؟ آیا تجربه کنونی بسیاری کشورهای چند ساختاره آسیا و آفریقا گواه بر این نیست که ساختار سوسیالیسم بدون طبقه کارگر امکان پذیر است؟ یک چنین تصدیق‌هایی از حیث علمی نادرست و از حیث سیاسی زیان بخش است. اما مسأله در نفس خود عملاً منطقی است، زیرا نیازی به حق به تحلیل و تبیین موقعیت جدید نشان می‌دهد.

شناخت امکانات عظیم انقلابی نیروهای بینا بینی طبقاتی در جهان سوم به هیچ وجه به معنای تنزل نقش تاریخی طبقه کارگر نیست. به عکس این شناخت محصول اوج مبارزه روزافزون انقلابی و نتیجه مستقیم کامیابی‌ها و پیروزی‌های طبقه کارگر جهانی و راسترگ آن سیستم سوسیالیستی است. فعالیت فزاینده دهقانان و سایر گردانهای توده‌های غیر پرولتر، فرو ریختن سیستم استعماری و گام نهادن بسیاری کشورهای نوپا به راه رشد مستقل ثمره محدودیت تحرک نیروهای سرمایه داری جهانی تحت تأثیر قدرت انقلابی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش طبقه کارگر در غرب است. پرولتا ریا پیشاهنگ با سرمشق خود نیروی انقلابی توده‌های زحمتکش جهان سوم را بر می‌انگیزد و از آنان در برابر حملات و تحریکات امپریالیسم دفاع می‌کند. از این زاویه است که جنبه بین المللی "مقام طبقه کارگر در تحول اجتماعی کشورهای چند ساختاره نمایان می‌شود.

اهمیت عامل "خارجی" یعنی کمک پرولتا ریا جهانی در این تحول همواره افزایش می‌یابد. نیروهای انقلابی جهان سوم به اعتبار این عامل یا ایدئولوژی سوسیالیسم جهانی آشنا می‌شوند. خلقهای آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین همواره به مقیاس فزاینده ای از کمک اقتصادی و فنی کشور - های سوسیالیستی سود می‌جویند که بدون آن هیچ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در رشد مستقل اجتماعی امکان پذیر نیست. جامعه سوسیالیستی با کمک دیپلماتیک و کمک‌های همه

جانبه دیگر به کشورهای نوا استقلال از آنها در برابر تجاوز امپریالیسم دفاع می‌کند. اردوگاه سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی متحدین منطقی و وفادار نیروهای پیشرو شیفته آزادی و ابتکارات ترقیخواهانه نیروهای انقلابی جهان سوم اند.

البته طبقه کارگر در حیات کشورهای چند ساختاره تنها یک عامل "خارجی" نیست. به موازات فزونی شماره مزدور و اهمیت سازمانها نشان طبقه کارگر امکان می‌یابد که در صفوف مقدم مبارزه برای دفاع از منافع حیاتی ملت و عموم زحمتکشان قرار گیرد و در تبدیل تدریجی جنبش‌های ملی به جنبش بر ضد مناسبات استعمارگرانه فئودالی و سرمایه داری نقش برجسته‌ای بازی کند. هر جا که حاکمیت طبقات دولتمند فئودال درهم می‌نوردد و در آن اطلاعات ارضی بنیادی به عمل می‌آید و اقدامات موثری در قلمروهای مهم سازمان اجتماعی صورت می‌گیرد، نقش و اهمیت طبقه کارگر افزایش می‌یابد.

همانطور که تاریخ مستقیم توده‌های غیر پرولتر و نیمه پرولتر نشان می‌دهد، سازمان‌های آنها مستعد تغییرات جدی است. آنها حتی می‌توانند در راهی کاملاً پدید آورنده گشای دور نماهای سوسیالیستی است. البته امکانات ترقیخواهانه - این قشرها که از حیث تعداد دیرتری دارند نمی‌توانند کاملاً واقعیت درآید (و این به مقیاس پیشرفتشان بستگی دارد). در صورتی که طبقه کارگر در فعالیت‌هایشان سهم آگاهانه سازماندهند فزاینده ای کسب می‌کند. از یاد بردن دوگانگی توده‌های خرد بورژوا و بساطهای اجتماعی مخلوق آن اشتباه بسیار بزرگی است. در چنین اوضاعی بروز نوسانات، انحرافات راست و چپ، حالت انفعالی باید انباش روحیه ماوراء انقلابی کاملاً مکان پذیر است. جنبش‌هاست که اگر سیاست مورد عمل معقولانه نباشد، کامیابی‌هایی که زحمتکشان بدست آورده اند، بطور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد و موانع مهمی برای پیشرفت آن بوجود می‌آورد. از این رو، مبارزه برای غلبه بر جنبه‌های منفی که در فعالیت توده‌های خرد بورژوا و ادراکشان از جهان دیده می‌شود، کوشش در پیروزی گردانیدن "اصل پرولتری" در میان آنان و مبارزه بر ضد انواع سکتاریسم، دگما تیس و ریزونیسم در مرحله معین از وظایف مهم طبقه کارگر بشمار می‌رود.

چیزی رو که دنبالش می‌گردم قایم نکنید! آن شادی و سرور نخستین، حالا جای خودش را به غم و افسردگی داده بود. پارچه‌های پیرایه جواهرات گرانبها و تمام آن لذات محو و نابود شده بودند. اما باز هم راجع به بیس دادن پول با عمه و مادر بزرگش صحبت کرد، اما هر دو گفتند: "نه نه، احق نشو! با زمثل همیشه ورا نصیحت کردند! ما حالا آن نفرین‌ها آنقدر زیاده شده، که چه آنها خوششان می‌آید، چه بدشان می‌آید، او می‌بایست پولی را که بیدار کرده بود پس می‌داد."

پس با لحنی پیر معنی به عمه اش گفت: "عمه جون، چیزهایی رو که دونانسا می‌گه شنیدین؟"

"معلومه که شنیدم. بذار هر چی می‌خواد ورد بخونه و جا دو بکبه، کسی جلوش رو نگرفته موسوکوبا ناراحتی گفت:

"اون همه ورد و جادو... خب، اون دروغ نمیکه که!..."

### (ادامه دارد)

# شرکت فعال در جنگ عادلانه

# بر ضد دولت متجاوز عراق

# یک وظیفه انقلابی است!

"اتحاد مردم"  
مدیر مسئول و صاحب امتیاز:  
محمودا عتما دزاده (م. ا. به آذین)  
سر دبیر: محمد تقی برومند  
آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹  
تلفن: ۶۴۴۳۸۴  
چاپ کاویان - تلفن: ۳۹۲۵۱۹

زنان با وحشت زربل می‌گفتند، "گورت رو از اینجا کم کن!" اما ته دلشان خوب می‌دانستند که پشت این فریادهای دیوانه وار چیست.

آنها که خود گرفتار رخا فات بودند، با نیشخندی زهر آگین می‌گفتند:

"برای کسی که پول یکی دیگه رو برداره حتماً اتفاقات بدی می‌افته."

مادران، که بعضی‌ها شان بچه کوچکی را با یک تکه پارچه به پشتشان بسته بودند؛ با خودشان عهد کردند که حتماً محل بازی بچه‌ها شان را با دقت بگردند. چون همان - طور که می‌دانیم ممکن است بچه‌ای پولی پیدا کند (و چرا که نه؟) و بخوابد یا آن پول برای خودش انواع اسباب بازی‌ها و آب - نبات‌ها را بخرد.

پیرزن عجوزه‌ای غرغر کنان گفت:

"یک بچه عین یک دیوونه‌س و با این حرف مادرها را مضمم تر کرد.

صدای ناقوس‌های کلیسای کارمو در آسمان غروب که با آخرین اشعه‌های آفتاب روشن شده بود، می‌پیچید و با شکوه خاصی خیر از غسل تعمید طفل کوچکی می‌داد. کودک بازیگوشی بی‌توجه به زنی که آن همه وحشت در فضا می‌پراکند، با آهنگ ناقوس‌ها، آوازی را که از خودش درآورده بود، زمزمه می‌کرد.

پیشگوی مرگ دیگر همه‌جا پیچید و تخم وحشت از فاجعه‌ای قریب الوقوع را در دل‌ها می‌کاشت. خدایا، چه کسی آن پول را پیدا کرده است؟ ای شیطان دور شو! دور شو! ای سنگدل کجا پنهان شده‌ای؟ چرا خودت را نشان نمی‌دهی؟

موسوکوکه بیش از همه وحشت کرده بود علیرغم قوت قلبی‌ها یکی که خانواده اش می‌دادند، دیگر نمی‌توانست بر ترس خود غلبه کند. نفرین‌های همسایه‌ها که قبلاً هم با آنها آزار امش کلبه‌شان را به هم زده بود، حالا مدام در گوش‌هایش می‌پیچید: "ای مردمی که کار می‌کنید و طعم بد بختی فقر را رو چشیدید

دامگیر خودتان شده است. آخو چطور - ممکن بود مردمی که خود در چنین تنگدستی مهلکی می‌زیستند نسبت به این پستی و شقاوت بی تفاوت بمانند؟ آنها همه می - دانستند که پول درآوردن چقدر مشکل است. همه طعم کارهای طاقت فرسای روزانه و بی‌خوابی‌های شبانه را چشیده بودند، پس چطور می‌توانستند نسبت به این بدبختی بی‌تفاوت بمانند؟ نه، هزار بار نه! آنها هرگز چنین کاری نمی‌کردند: فقیر همیشه به فقیر کمک می‌کند! زندگی برای کسانی که یک عمر در خانه‌ها آربابان شستشو و پخت و پز کرده‌اند، در خیابان‌ها با مردم چانه زده‌اند و در کلبه‌های خودشان هم کار کرده‌اند، هرگز آسان نبوده است. هنگام کارنا گیری بوده‌اند توهین‌ها و بدویبیرا - های آربابهایشان را تحمل کنند، به هر سازشان برقصند و برای راضی کردن آن - ها خود را از همه چیز محروم کنند، و در خانه خودشان هم سهمی جز رنج و نگوون بختی نداشته باشند و فقط خدا می‌داند که چقدر با بد آنها تا سر حد مرگ کارکنند تا فقط به اندازه‌ای پول درآوردند که بتوانند شکم خودشان را یک بار سیر کنند!

هشدار می‌دهد که در سراسر شهر پخش شده بود، دوباره همه جا شنیده شد. اما این بار نه بصورت ناله‌ای مضطرب کننده، بلکه تهدیدی غیض آلود و شیطان‌ی:

"من برای پولم دعا کردم، فریاد زدم، اما کسی جواب نداد. حالا گوش کنید، خوب گوش کنید که بعد نگید من جا دو گیری کردم: می‌خوام یک ورد بخونم. می‌شنویس؟ می‌خوام یک ورد بخونم. بعد آگله و شکایت نکنین... هرکس اون پول رو برداشته می‌میره. هرکس جسد اون رو بشوره، می‌میره. هرکس موهاش رو بچینه، می‌میره. هرکس ناخنش رو بگیره، می‌میره. هرکس بهوش لباس بپوشونه، می‌میره. هرکس خاکش کنه، می‌میره. و هرکس که بگه "وای برمن!" اون می‌میره!"

# یک بار دیگر،

بجا و مفید باشد. باید بدان ارج نهادن را به فال نیک گرفت.

اما واقعیت این است که یک روز هم برای گفته‌ها گذشته بود که با زدرسرخ روزنامه‌ها، از نوک بعضی قلم‌های عالی مرتبت، همان نوای تفرقه افکن نیش و کنایه و تعرض و اتهام سازگشت و با زدر اجتماعات شهرهای بزرگ و کوچک شعارهای موافق و مخالف داده و قطعنامه‌های یکسویه صادر شد.

علت چیست؟ آیا کافی است که این همه راه خودپرستی و مقام‌دوستی افراد جا به طلب نسبت دهیم؟ آیا با دیدگویی که دلها سخت شده است و بند و هشا ردیگر در آن تار-گر نیست؟ آیا درست است که این همه را یک نوطه سراسری بدانیم و دست امپریالیسم جهانی و ضدانقلاب داخلی را در آن درکا ربینیم؟ شاید چیزی از همه اینها در آنچه پیش چشم ما رخ می‌نماید دخیل باشد. اما به گمان ما علت اصلی و بنیادی آن ست که شعار "وحدت" به صورتی که همه را - بدون در نظر گرفتن موقع اجتماعی و اقتصادی هر کس، بدون به حساب آوردن آنچه هر کس در انقلاب به دست می‌آورد یا از دست می‌دهد - در بر بگیرد، با شرایط و احوال امروزی ما وفق نمی‌دهد. ما از آن مرحله وحدت سراسری که معجزه بهمن ۵۷ را به ما آورد گذشتیم. انقلاب در پویایی خود مسائل تازه‌ای را مطرح کرده است. وصف آرای تازه‌ای را، در مجلس، در دستگاه دولت، در سطح جامعه، پدید آورده است.

## بحث فلسفی: عقلی و غیر عقلی

واقعیت عینی تجسم عقل انسان نیست. ما طبیعت خاص بشری شد خود را بر اساس طبیعت - یا همه قوانین عینی و تضادهایش - آنچنان که هست می‌آفرینیم. در این مفهوم انسان عقلش را در جهان رسوخ می‌دهد. با وجود این، تنها به صورت بازتاب عقلی و درست طبیعت و به شکل فعالیت عملی است که معقول مجسم می‌شود. عقلی و غیر عقلی ویژگی‌های اساسی فعالیت انسان هستند و بنا بر این، سر-

حتی جنگ با دشمن خارجی، با عراق تجاوز - گر و آمریکای جنایتکار که خود را در پس آن پنهان کرده است، چنان نیست که همه مردم ایران را به نام مذهب یا میهن به تمام می‌برانگیزد و به صورت یکپارچه در آورد. گروه‌هایی، بیش و کم قدرتمند هستند که پیشروی انقلاب را نمی‌پذیرند و از آن بدتر از مرگ می‌ترسند. قشرهایی هستند که جنگ را به چشم نجات دهنده خود از بن بست سیاسی و اقتصادی می‌بینند. این گروه‌ها و قشرها با توده مردمی که در انقلاب و جنگ با همه هستی خود، با خون و زندگی خود، شرکت می‌کنند در یک صف نیستند. تا کی می‌توان آزمون‌ها را آزمون کرد؟ تا کی می‌توان برای خود و توده‌های محروم لالایی خواند؟ در آستانه بهمن ۵۷، صف دوست و دشمن مشخص بود و نبردنا پیروزی ادا می‌افتاد. امروز هم، با تکامل انقلاب و مسائل که در سطح کشور برای کارگروه‌ها و زحمتکش و پیشرو کم‌مایه و روحانی و روشنفکر مبارز

چشمه‌شان در پراکسیس (فعالیت انسان) و گسترش آن است.

معقول و عقلی خصلت تاریخی دارند. آنها با بیای پراکسیس تحول می‌یابند و نشان می‌دهند که انسان تا چه حد پدیدهای واقعیت عینی را درک می‌کند و مستعد است با آن روندها را رهبری نماید.

فکر امکان می‌دهد که با واقعیت رابطه عقلی داشته باشیم زیرا ایده‌هایی می‌آفریند که تحقق عملی آن ایجاد دنیایی

متعهد مطرح کرده است، با دید صف دوست و دشمن را مشخص کرد. موضع هر گروه و هر جریان سیاسی و اقتصادی را با دید به روشنی معلوم کرد و به تناسب آن، خواه در داخل ایران و خواه در سطح بین‌المللی، دوستان و دشمنان خود را شناخت. خوشبختانه، با سفر اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی ایران به کشور - های مترقی عرب، قدم‌های نخستین در راه شناخت دوستان خارجی انقلاب و فراهم آوردن زمین‌ه همکاریه‌های بارور با آنان برداشته شده است و با یاد میدوار بود که دایره این دوستیها و همکاریه‌ها در جهت درست انقلابی و ضد امپریالیستی هر چه بیشتر توسعه یابد. عین همین قدم‌ها در عرصه داخلی کشور و انقلاب برداشته شود، و امروز روز آن است. زنده باد جبهه متحد خلق برای پیشبرد انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران و پیروزی در جنگ با تاجران امپریالیستی و نوکران - شان در منطقه!

# اطلاعیه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در رابطه با دعوت آقای خامنه‌ای از هنرمندان و شاعران

هم میهنان گرامی،

انقلاب اسلامی ایران، با محتوای نیرومند مردمی و ضد امپریالیستی خود، بی‌گفت و گوریشه‌های عمیقی در وجدان شکنجه‌دیده‌ها ما بیدار ملت ما دارد. پس از قرن‌ها تلاش خونین در راه رهایی ایردگی و ستم، برای نخستین بار منظره آینده‌ای تابناک، در آزادی و کرامت انسانی، در برابر محرومان و زحمتکشان این مرز و بوم نمایان گشته است. دهقانان و کارگران و پیشه‌وران ایرانی اکنون می‌توانند به سرفرازی پذیرای مسئولیت سرنوشت فردی و اجتماعی خود شوند. انقلاب پویانده و برشونده ایران، با شرکت فزاینده‌ای که توده‌های مستضعف در آن دارند و با طلای آزادی و رهایی که در می‌دهد، اینک در شمار نیروهای محرکه تاریخ عصر ما در آمده است. این انقلاب، در جهش پرتوان خود به سوی آرمان‌های بلند و در بر خورد نیروهایی که به موافقت و مخالفت برانگیخته است، جداکننده حق از باطل در این روزگار است. در سراسر جهان، همه شیفتگان عدل و برابری و همپوندی بشرستان‌شکرو با رگ‌انقلاب ایران اندوخته ستم‌پیشگان غارتگر، همه خواردارندگان رنج و کار، با آن سردمینی دارند. بویژه یویایی این انقلاب خط جدایی حق و باطل را هر روز مشخص‌تر می‌کند. هر روز نیروهای تازه تری از انبوه خلق به انقلاب می‌پیوندند و، در شکفتگی آگاهی و اراده، رنگ آرزوی دیرمانده خود بدان می‌دهند: با زیادت مرتبت انسانی! در همان حال، گروه‌هایی نیز به انگیزه منافع تنگ نظرانه از انقلاب می‌برند، در نیمه راه مقصود لنگر می‌افکنند و، دیربازود، با انقلاب در تعارض می‌افتند. این یک روند ناگزیر کنش و واکنش عین و ذهن در فراخانی عرصه اجتماع است که هیچکس را در موضع بیطرفی باقی نمی‌گذارد. هر کس، فراخور موقع و توان و خواست خویش، بدان کشیده می‌شود. و چنین است که در شور و درود و تکاپوی زایشی نوین، آینده ملتی، بلکه جهانی، شکل می‌گیرد.

هم میهنان،

نیروی توده‌ها در آگاهی حاصل از دانش و هنر سا زمان می‌با بدودر راستای درست به حرکت می‌افتد. مستضعفان ایران در پیوند با دانشوران و هنرمندان متعهد به کمال قدرت انقلابی خویش می‌رسند و روز پیروزی حق بر باطل را نزدیک می‌سازند. بی‌شک نیست که در رنج و نبرد با دشمن تاجران و زورگرایان و مقارن با لا گرفتن کارزار نیروهای معارض داخلی، حجة الاسلام و المسلمین سیدعلی خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه سی‌ام آبان در دانشگاه تهران از جمله تا کید می‌نماید:

"شعرا و هنرمندان باید آماج دگی خود را بیش از پیش کنند... من از همه شعرا، نقاشان و هنرمندان گوناگون می‌خواهم که هنر توانا و نیروی ارزشمند خود را در خدمت مداوم انقلاب قرار دهند... اطلاعات اول آذر ۱۳۵۹.

خطاب آقای خامنه‌ای به دست اندکاران همه رشته‌های هنر از بینشی درست حکایت می‌کند و تا بید بجا بی است بر نقش پر اهمیت هنرمندان و اندیشه‌وران در توجیه و اشاعه آرمانهای انقلاب و برانگیختن نیروها برای تحقق آن.

"شورای نویسندگان و هنرمندان ایران" به توجیهی که در این زمینه نشان داده می‌شود ارج فراوان می‌گذارد، و با تاکید بر این نکته که خود انگیزه تاسی آن خدمت‌مادقانه به پویایی انقلاب مستضعفین بوده است، آماج دگی خود را برای همه گونه همکاری قلمی و هنری یا مسئولان ذی ربط در رسانه - های گروهی و ستاد تبلیغات بسیج و غیره اعلام می‌دارد و با تمام می‌شورای انقلابی خود به انتظار آن است که ترتیب عملی این همکاری داده شود.

در پایان، برای به دست دادن نموداری از تنوع و دامنه خدماتی که هنر انقلابی ایران می‌تواند عرضه کند، اینک فهرست مختصری از آنچه اعضای "شورای نویسندگان و هنرمندان ایران" توانسته اند در این دوساله انقلاب، به رغم دشواریها، در اختیار هم میهنان بگذارند:

### موسیقی:

ساختن آهنگ بیست و اندرود که تا کنون تهیه و بسته

است که با ماهیت و نیازهای انسان مطابقت دارد. در این حالت، اندازه عقلی بودن ایده‌های ما بر اساس درجه تسلط ما بر پدیده‌ها - ها و روندهای واقعیت عینی مشخص می‌شود.

عقلی و غیر عقلی در مفهوم معینی با دیگر زوج‌های مقوله‌ها چون ضرورت و اتفاق، شکل و مضمون، منطقی و تاریخی، انتزاعی و مشخص (کنکرت) و غیره تفاوت ندارند. می‌دانیم که هیچیک از این مقوله‌ها به تنهایی وجدانگانه هیچ مضمون واقعی را نشان نمی‌دهند. از این رو این زوج‌ها در خلال یکدیگر مشخص می‌شوند، و در بیان دقیق تر در رابطه متقابل شان واقعیت مشخص پیدا می‌کنند.

مساله عقلی و غیر عقلی هنگامی مطرح می‌شود که انسان نتایج فعالیتش را با نیازهای جامعه مقایسه کند و جستجو نماید که آنها در چه مقیاسی به اجابت هدی - هایش کمک کرده‌اند. در بیرون از این رابطه اشاره به این که واقعیت یا فکر عقلی هستند یا نه معنایی ندارد.

عقلی عبارت از شناخت واقعیت در اشکال مختلف فکری است. به اعتبار این شناخت ایده‌هایی مطرح می‌شود که تحقق آن جهانی از اشیا بوجود می‌آورد که با نیازهای انسان تطبیق می‌کنند. غیر عقلی مانند چیزی که انسان را راضی نمی‌سازد و از شکل‌های عقلی بی بهره است یا عقلی در تضاد است.

غیر عقلی به عنوان مخالف عقلی در بیرون از فعالیت انسان وجود علیحده ندارد، بلکه درون همین فعالیت است و از این رو عنصر نتیجه آن محسوب می‌شود. بشریت آنچه را که برای اولاد است خود بیافریند آگاهی می‌یابد و آنچه را که برای او ضرورت دارد می‌آفریند.

اجرا در آمده و از شبکه را دیو و تلویزیون پخش شده است. از جمله معروفترین آنها می‌توان از سرودهای زیر نام برد: زاله خون شد، تیغ باید خون فشانند، همت‌کنیدای دوستان ی برادر، ایرانی.

### نقاشی و طراحی:

شرکت یک عضو شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در ایجاد دیده رنگی بر دیوار بیرونی لانه جاسوسی آمریکا - پرده جهاد زندگی بر دیوار بیرونی ساختمان دانشکده معماری دانشگاه تهران - چند طرح چاپی به صورت پوستر - شرکت اعضای شورادر برخی نمایشگاه‌های نقاشی و طراحی - پنج پرده بزرگ نقاشی ۳×۴ متر به مناسبت سالگرد انقلاب که اکنون در "موزه هنرهای معاصر" محفوظ است.

### تئاتر:

شرکت گروهی از اعضای شورادر خلق و اجرای نمایشنامه "شیشه عمر" که در خیابانهای تهران و شهرستانها و همچنین در جبهه برای رزمندگان حماسه آفرین ما نمایش داده شده است - نمایشنامه "سنگر" که از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش شده است.

### شعر:

مجموعه‌های شعرا و شاعران از اعضای شوراکه به صورت پراکنده در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسیده است.

### داستان نویسی و نقد و پژوهش:

آثاری چند که در مجله‌ها و روزنامه‌ها و همچنین در فصلنامه "شورای نویسندگان و هنرمندان ایران" - دفتر اول، پاییز ۱۳۵۹، انتشار یافته است.

مسلم است که فهرست کارهای انجام شده به همین ختم نمی‌شود. ولی همین اندازه خودکافی است تا نشان دهد که قلم و هنر، اگر بدور از پیشداوریها و تنها به معیار منافع توده‌های مستضعف و بردانقلابی و ضد امپریالیستی آفریده‌هاشان سنجیده شوند، تا چه اندازه می‌توانند موثر افتند. امید آن که رهسپاران آگاه و بینای خط امام خمینی در رأس نهادهای انقلاب اسلامی ایران شورمیمانها را در خدمت به انقلاب با روشن بینی و شفافیت شمر بخش پذیرا شوند.

هیئت اجرایی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران تهران - ۱۵ آذر ۱۳۵۹